



۵۱۴۴

دانشکده اصول الدین

مرکز اطلاعات مدرن علمی ایران
گنجینه اسرار

پایان نامه کارشناسی ارشد

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

موضوع

بررسی تطبیقی سیره حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل
در قرآن و تورات

استاد راهنما

دکتر سید کاظم عسکری

استاد مشاور

دکتر علی اکبر غفاری

نگارش

فاضله میر غفوریان

سال تحصیلی ۱۳۷۸ - ۱۳۷۷

۵۸۱۴۴

نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك
هذا القرآن وان كنت من قبله لمن الغافلين

سوره يوسف آيه ٣

تقدیم به روح بلند و ملکوتی نبی رحمت و رسول هدایت محمد
مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و دوازده اختر تابناک آسمان
ولایت و امامت

و تقدیم به امام راحل احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) در قرن حاضر

با تشکر و قدردانی از استاد بزرگوار و پدر دلسوز

"علامه سیدمرتضی عسکری"

و دیگر اساتید محترم دانشکده اصول الدین بخصوص

دکتر عسکری و دکتر غفاری

و با تشکر از مادر مهربان و همسر فداکارم که در تمام دوران

تحصیل از کمک و ویاری این حقیر دریغ ننمودند.

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	چکیده بحث
۱۰	فصل اول - سیره حضرت موسی (ع)
۱۱	بخش اول - قبل از بعثت
۱۲	۱- تولد و دوران کودکی
۲۳	۲- دوران جوانی
۳۹	بخش دوم - بعد از بعثت
۴۰	۱- بعثت
۶۱	۲- حضور در مصر
۹۲	۳- خروج از مصر
۹۳	۴- دعوت به میقات پروردگار و اعطاء الواح
۱۰۲	۵- عکس العمل در برابر انحراف قوم (گوساله پرستی)
۱۱۱	۶- ماجرای ملاقات موسی با خضر
۱۱۸	نتیجه گیری
۱۲۰	فصل دوم - سیره بنی اسرائیل
۱۲۱	بخش اول - قبل از بعثت موسی (ع)

۱۲۵	بخش دوم - بعد از بعثت موسی (ع)
۱۲۶	۱- تشدید شکنجه
۱۳۱	۲- خروج از مصر
۱۳۵	۳- عبور از دریا (غرق فرعون و نجات بنی اسرائیل)
۱۴۵	۴- طلب بت پرستی
۱۴۷	۵- نزول من و سلوی و اعتراض به غذای یکسان
۱۵۲	۶- طلب آب
۱۵۳	۷- ماجرای گاو بنی اسرائیل
۱۵۸	۸- تقاضای دیدن خدا
۱۶۳	۹- اخذ میثاق
۱۶۷	۱۰- ماجرای انحراف بزرگ (گوساله پرستی)
۱۷۹	۱۱- نافرمانی و سرگردانی در بیابان
۱۸۴	۱۲- نافرمانی دیگری از بنی اسرائیل
۱۸۵	۱۳- شخصیت قارون و سرانجام وی
۱۸۹	نتیجه گیری
۱۹۱	منابع و مأخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين

هدف الهی از نزول قرآن کریم هدایت بشر به سوی سعادت ابدی و کمال مطلق است.

«ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین»^(۱) که برای دستیابی انسان به این هدف عالی ابزار و وسائل لازم را آماده نموده است. یکی از این لوازم بیان قصص و سرگذشت پیشینیان می باشد تا همان گونه که در قرآن می فرماید «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب»^(۲) عبرتی برای شنوندگان آن باشد و انسان با نتیجه گیری از این داستانهای واقعی راه صواب را از ناصواب شناخته و در طریق هدایت، استوارتر از پیش گام بردارد. از هر آنچه که مانع سعادت سلف بوده است دست بردارد و پیشرفتهای گذشتگان را برای رسیدن به کمال نهایی مدنظر و عنایت خویش قرار دهد.

بیان زندگی حضرت موسی (ع) نیز یکی از همین قصه های حقیقی و تاریخی است که اگر انسان هوش و ذکاوت خویش را بکار اندازد آنچه را که برای هدایت خود بدان محتاج است از لابلای آن در می یابد. اما باید گفت که روش قرآن در بیان قصص، قصه سرایی یا به عبارت دیگر شرح و توضیح نمی باشد و سبک و سیاق خاص خود را دارد. و آنچه از داستان که انسان را در رسیدن به هدف کلی یعنی هدایت یاری دهد مورد توجه قرآن است. این کتاب الهی کمتر از زمان و مکان یا اسامی اشخاص سخن می گوید و اگر در موضوعی مختصات زمانی یا مکانی و یا اسامی ذکر می شود قطعاً در تبیین هدف ضروری بوده است.

البته روایات و احادیث صادره از ناحیه پیامبر خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) در توضیح و تفسیر آیات از جمله آیات قصص نیز مورد نیاز خواننده قرآن است و بنا بر حدیث متواتر ثقلین عترت مکمل و متمم حتمی و لازم کتاب می باشد ولی باید دقت کرد که روایات معتبر باشند و در تفسیر قرآن از روایات غیر مستند احتراز نمود. بخصوص در بحثهای تاریخی که راوی باید شاهد مستقیم حادثه و واقعه باشد و

در مورد قصص گذشتگان، آن داستان را از طریق وحی دریافت کرده باشد. پس در این مباحث هر آنچه از رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) دریافت گردد صحیح است و مابقی قابل اعتماد نمی باشند.

از آن جهت که این حقیر در صدد بررسی روایات قصص قرآن نبوده بلکه محور بحث را بر انطباق آیات قرآن با تورات قرار داده، در این رساله کمتر به روایات پرداخته است. چرا که بررسی روایات خود مجال دیگری و توانایی علمی خاص خود را می طلبد.

در پایان لازم به ذکر است که ترجمه تمامی آیات با استفاده از تفسیر باارزش المیزان بوده است.

چکیده بحث

آنچه که پیش رو دارید انطباق آیات قرآن کریم با تورات پیرامون زندگی و سیره حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل می باشد. قبل از هر چیز باید متذکر شد که منظور ما از تورات همین تورات فعلی و تحریف شده است همان که قرآن درباره آن می فرماید: *فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله^(۱)* چرا که تورات واقعی هیچ تضاد و مخالفتی با قرآن کریم ندارد هر دو از یک منبع و سرچشمه جریان یافته اند. *نزل علیک الکتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل^(۲)*

رساله از دو فصل تشکیل شده است. فصل اول بررسی و انطباق سیره حضرت موسی (ع) در قرآن و تورات است. در هر بخش از زندگی این پیامبر الهی ابتداء آیات قرآنی مربوطه با ترجمه و شرح مختصری از تفسیر المیزان و سپس عبارات تورات و در نهایت تطبیق بین آیات قرآنی و عبارات تورات به عمل آمده است. در بررسی سعی شده است روایات تفسیری موجود از دو کتاب نورالثقلین از کتب شیعه و درالمنثور از اهل سنت مورد توجه قرار گیرد.

در فصل دوم یعنی انطباق سیره بنی اسرائیل در قرآن و تورات نیز از همین روش مورد استفاده قرار گرفته است.

در پایان فرق اساسی بین آیات قرآن و تورات تحریف شده کاملاً مشهود است و آن اثبات مقام عصمت برای حضرت موسی (ع) و انحراف بنی اسرائیل از مسیر حق در آیات قرآنی، ولغزش و اشتباه و عدم عصمت آن حضرت و استثنایی بودن این قوم در نزد خداوند در تورات می باشد.

فصل اول

سیره حضرت موسی (ع)

در قرآن و تورات

بخش اول:

قبل از بعثت

۱- تولد و دوران کودکی

۲- دوران جوانی

۱- تولد و دوران کودکی

در قرآن

خداوند متعال در آیاتی از قرآن کریم از سوره‌های قصص و طه به جریانات بعد از تولد موسی (ع) اشاره می‌فرماید. در هر کدام از این دو سوره مبارکه نوع گفتار متفاوت می‌باشد. در سوره قصص گفتار الهی با *واوحینا الی أم موسی ...* آغاز می‌گردد و خداوند از داستان تولد موسی به پیامبر اکرم و مؤمنین خبر می‌دهد.

اما در سوره طه نوع گفتار به گونه دیگریست. در آیات این سوره مبارکه خداوند متعال با بیان *واوحینا الی امک ما یوحی حضرت موسی را* مورد خطاب قرار داده است و پیامبر اکرم و مؤمنین را در حقیقت از این خطاب قرار دادن خبر داده است.

بررسی تفصیلی آیات مورد نظر از این دو سوره:

واوحینا الی ام موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین. فالتقطه آل فرعون لیکون لهم عدواً و حزناً ان فرعون و هامان و جنودهما کانوا خاطئین. و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک لا تقتلوه عسی ان ینفعنا او نتخذہ ولداً و هم لا یشعرون. و اصبح فواد ام موسی فارغا ان کادت لتبدی به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین. و قالت لا خته قصیه فبصرت به عن جنب و هم لا یشعرون. و حرمتنا علیه المراضع من قبل فقالت هل ادلکم علی اهل بیت یکفلونه لکم و هم له ناصحون. فرددناه الی امه کی تقرّ عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق و لکن اکثرهم لا یعلمون.^(۱)

این آیات در ادامه آیات است که خداوند متعال شرایط اجتماعی قبل از تولد موسی (ع) را ترسیم فرموده است و می‌فرماید قبل از تولد وی بنی اسرائیل در چه مصیبتی قرار داشتند فرعون پسران آنها را می‌کشت و زنانشان را به کنیزی می‌گرفت که مفصلاً در فصل دوم به آن شرایط خواهیم پرداخت.

در چنین شرایط سخت و مصیبت بار است که موسی (ع) متولد می‌شود و هر لحظه خوف آن

می‌رفت که به دست عاملان فرعون همچون فرزندان دیگر بنی اسرائیل کشته شود. داستان نجات موسی از مرگ را چنین آغاز می‌فرماید :

ما بنوعی الهام به مادر موسی بعد از آنکه او را زایید گفتیم شیرش بده و مادام که از قِبل فرعون احتمال خطری نمی‌دهی به شیر دادنش ادامه بده و چون ترسیدی که آل فرعون خبردار شوند و او را گرفته مانند هزاران کودک بقتل برسانند او را در دریا بینداز و بطوریکه از روایات بر می‌آید دریای نامبرده همان نیل است و دیگر از کشتن او مترس و از جداییش غمناک مشو که ما دوباره او را به تو بر می‌گردانیم و او را از فرستادگان قرار خواهیم داد تا رسولی به سوی آل فرعون و نیز به سوی بنی اسرائیل بوده باشد. آل فرعون موسی را در دریا جستند و از آب گرفتند و نتیجه این کار آن شد که همین موسی دشمن و وسیله اندوه و لقمه‌ای گلوگیرشان شود. آری فرعون و هامان و لشگریانشان مردمی خطاکار بودند که فرزندان مردم را کشتند و موسی را زنده نگهداشتند. آنان علیه کسی نقشه ریختند که بزودی همان نقشه عیناً نقشه بی‌پرواندن کسی است که طومار هستی و قدرت آنان را در می‌نوردد و بهمین منظور او را با کمال جد و جهد حفظ نموده در تربیتش مجدانه می‌کوشند.

زن فرعون گفت: «او را نکش و او نور چشمی برای من و توست. شاید که ما را سود بخشد یا او را فرزند خود کنیم.» در حالی که آنها نمی‌فهمیدند. چه می‌کنند! حقیقت حال و سرانجام کار چه می‌شود. قلب مادر موسی به سبب وحی از ترس و اندوه خالی شد. ترس و اندوهی که باعث می‌شد سر فرزندش فاش گردد. آری اگر ما قلب او را بوسیله وحی نمی‌بستیم و ثوق بحفظ خدا پیدا نمی‌کرد نزدیک می‌شد که سرگذشت فرزندش را در ضمن جزع و فزع اظهار نماید.

مادر موسی به دخترش (که خواهر موسی باشد) گفت دنباله موسی را بگیر و ببین چه بر سرش آمد و آب صندوق او را بکجا برد؟ خواهر موسی همچنان دنبال او را گرفت تا آنکه موسی را از دور دید که خدام فرعون او را گرفته‌اند. این را از دور دید در حالی که فرعونیان دیدن او و مراقبتش را متوجه نشدند.

ما قبل از آنکه خواهر موسی برسد زنان شیرده را بر او حرام کردیم و طوری کردیم که پستان غیر

مادرش را نگیرد در نتیجه هر چه زن شیرده آوردند پستانش را قبول نکرد همینکه خواهرش آمد و وضع را بدید در این هنگام گفت: «آیا می‌خواهید شما را به خاندانی راهنمایی کنم که آنان تکفل و سرپرستی این کودک را بنفع شما به عهده بگیرند خاندانی که خیرخواه وی باشند؟»

(سیاق نشان می‌دهد که فرعونیان پیشنهادش را پذیرفتند) و او ایشان را به مادر موسی راهنمایی کرد پس موسی را تسلیم مادرش کردند و در نتیجه او را با این نقشه‌ها به مادرش برگردانیدیم تا با مشاهده فرزندش یقین پیدا کند.

علامه طباطبایی می‌فرماید: «چون مادر موسی قبل از جریان وعده خدا را شنیده بود و می‌دانست که وعده او حق است و ایمان به آن نیز داشت. ولی ما موسی را به او برگردانیدیم تا با دیدن او یقین بحقیقت وعده خدا کند. و مادر موسی با مشاهده حقیقت این وعده‌ایکه خدا باو داد یقین پیدا کرد به اینکه مطلق وعده‌های خدا حق است»^(۱).

ولقد مننا علیک مرة اخرى. اذ اوحینا الی امک ما یوحی. ان اقدفیه فی التابوت فاقدفیه فی الیم
فلیلقه الیم بالساحل یاخذہ عدولی و عدوله و القیت علیک محبة منی و لتصنع علی عینی اذ تمشی
اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تفر عینها و لا تحزن.^(۲)

این بخش از آیات بیان یادآوری و تذکر الهیست. خداوند متعال در شب بعثت موسی (ع) منتهای و الطاف خورش را بر موسی از ابتدای تولد تا زمان بعثت بر می‌شمارد و به وی متذکر می‌گردد و اولین لطف الهی را همان ماجرای تولد و زنده ماندن وی و نجات از شر فرعون و فرعونیان دانسته و می‌فرماید: و هر آینه ما بر تو یکبار دیگر منت گذاشتیم هنگامیکه به مادرت وحی کردیم (وحی الهام) که موسی را در جعبه‌ای قرار ده و آن را در دریا بینداز و به دریا امر شد که او را به ساحل ببرد تا دشمن من و دشمن موسی او را بگیرد و در تو محبتی از جانب خویش قرار دادم. برای این منظور و نیز برای این که در مرئی و منظر من و تحت مراقبتم به تو احسان شود آنوقتی که خواهرت آمد و شد می‌کرد تا مراقب احوال تو باشد دید کارکنان فرعون در جستجوی دایه‌ای هستند تا تو را شیر دهد خواهرت خود را در معرض